

برای قوم خود صبر کرده اند
 مستقول است این تر خندان سنگ بر زندانم در برین
 نهام است ندو در حضرت ابراهیم علیه السلام در پیش رخ
 کردن فرزند صبر کردند و دیگر حضرت اسماعیل که بر رخ صبر کرد
 و دیگر حضرت یعقوب که بر فقدان فرزند خود صبر کرد
 و دیگر حضرت یونس که بر کمان صبر کردند و دیگر حضرت
 موسی و داود و عیسی علیه السلام را نیز ازین جمله گروه اند و کما
 بود که نبی جز و ربا نشد بنام بدست از حجی با او و علیه السلام
 و با عطف جان او و جانت که مرفوع و منصوب خوانند
 بنابر وجود مذکور به طریق اللغات بر قدر استدانی
 ما اید یا امله مستدانی ما را از ما بر خضرا و تو تر نسبت اند
 بر آن صبر و با شد بدین نسبت هم و در کجانی و این وجود و لا
 ان فی غیر جانت مفعول آن دو و جز و وقت بنا بر قصد
 تعظیم بر او و در او و مشهور است در او و بقول ما لقیله لا است
 علیه است احد اسم او و بر افضل افضل است از بر دست است
 لغت آن نبی از زانین بنیغرات است و لغت آن کردن و نبی

لا از بران

لا از بران لغت زبر را مقصود نفرین و ضحاک از بران
 و این سخن در لالت برکت است و می کند از این فرقه نوزاد که
 احد در آن لغت حسن و در لالت برکت است و در دست
 چنانچه در مجلسی است در بیت مرقول متعلق است با بر و
 و غیره رابع مرتبه بی الا و در لالت برکت است و در اول آن از
 ما کیدت که در شاره مجور است لغت آن خانه با مرون بد که
 جمیع اقوال آن حضرت تصبات و تواند که لا و لغت آن بیغ
 از کوه و لا الا الله که مرگ آن لغت آن خانه است و در لالت
 تو میغ حضرت علیه السلام با مرون در لالت برکت است که در لالت
 بسیار موقوف واقع شده چرا که راست افکار موقوف
 امر و نیز مشهور است بدانند که مراد از لغت فضیلت آن
 حضرت صلوات الله علیه و سلم اوقات فضیلت است و در
 به تصداعرفا که در کجانی مستند آن نسبت این طریقی
 تمام دار و سوره آن نوع سوره است بطاعت است و در
 سبب عمل است مطالب و در ماه است از صبا است